

اسلام و پژوهش‌های روان‌شناسی

سال نهم، شماره اول، پیاپی ۱۹، بهار و تابستان ۱۴۰۲ (ص ۷-۳۶)

مفهوم‌شناسی مرگ‌آگاهی و استخراج مؤلفه‌های آن براساس منابع اسلامی

Conceptualization of the death awareness and extraction of its components based on Islamic sources

فاطمه کارگر شورکی / کارشناسی ارشد، مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت، قم، ایران.

محمد صادق شجاعی / دکتری روان‌شناسی، استادیار روان‌شناسی جامعه المصطفی العالیه، قم، ایران.

Fatemeh Kargar / Master's degree, Higher Education Institute of Ethics and Education, Qom, Iran

f.kargar194@chmail.ir

Mohammad Sadeq Shujaie / Assistant Professor of Psychology, Mustafa International University, Qom, Iran.

Abstract

This research has been done with the aim of developing a conceptual model of death awareness, based on religious texts and checking its validity. At first, with a qualitative approach with the strategy of "lexical search" by means of 39 related words, religious propositions were collected using targeted sampling and based on the principle of saturation in Islamic sources, and were analyzed using the method of qualitative analysis of the content of religious texts. Then, in order to ensure their compatibility with the content of religious texts on the one hand and its application in the field of psychology on the other hand, the validity of the findings was evaluated using the opinions of experts by 10 experts by calculating the content validity index (CVI) and the content validity ratio (CVR) was investigated. The findings showed that the death awareness is psychological construct, based on continuous attention to the truth of death in the framework of Islamic thought, which, as an all-encompassing, definitive, and mysterious phenomenon,

چکیده

این پژوهش، با هدف تدوین مدل مفهومی مرگ‌آگاهی براساس متون دینی و بررسی میزان روایی آن انجام شده است. در ابتدا با رویکردی کیفی با راهبرد «جستجوی واژگانی» به وسیله ۳۹ واژه مرتبط، گزاره‌های دینی با استفاده از نمونه گیری هدفمند و براساس اصل اشباع در منابع اسلامی، جمع آوری و با استفاده از روش تحلیل کیفی محتواهای متون دینی مورد بررسی قرار گرفت. سپس اعتبار یافته‌ها با استفاده از ارزیابی نظرات متخصصان به وسیله ۱۰ کارشناس با محاسبه شاخص روایی محتوا (CVI) و نسبت روایی محتوا (CVR) مورد بررسی قرار گرفت. یافته‌ها نشان دادند که مرگ‌آگاهی، سازه‌ای است روان‌شناسی، مبتنی بر توجه پیوسته به حقیقت مرگ در چارچوب اندیشه اسلامی که به عنوان یک پدیده فراگیر، قطعی، پرمزو راز، به زندگی انسان، معنای الهی داده و موجبات آرامش و تلاش مؤثر را برای تأمین سعادت غایی

gives divine meaning human life and causes peace and effective effort and provides for ultimate happiness. Also, by inferring from Islamic verses and narrations, the components of death awareness, reached ten components: comprehensiveness, certainty, ambiguity, peacefulness, meaning making, superiority of other world, belief in resurrection day, accepting the death, thinking about death and continuous intention to it

Keyword: Death, awareness, death awareness, Islamic sources.

فراهم می‌آورد. همچنین، با استنباط از آیات و روایات اسلامی، مؤلفه‌های مرگ‌آگاهی، به ده مؤلفه: فراغی بر بودن، حتمی بودن، مبهم بودن، آرامبخش بودن، معنابخش بودن، برتر بودن آخرت، معادباوری، مرگ باوری، مرگ اندیشه و توجه مستمر، رسید و بستر مناسبی را برای تدوین پرسشنامه و بسته آموزشی این سازه فراهم نمود.

کلیدواژه‌ها: مرگ، آگاهی، مرگ‌آگاهی، منابع اسلامی.

مقدمه

مرگ، یکی از فرایندهای غیرقابل اجتناب زندگی است و به این علت که در پایان زندگی رخ می‌دهد اطلاعات و تجربه کمی درباره آن وجود دارد (وانگ^۱). به گواه تاریخ، تفکر درباره ماهیت مرگ از نخستین روزهای تاریخ حیات معقول آدمی وجود داشته و به دنبال آن نیز انسان، اضطراب و ترس از مرگ را تجربه کرده است. ابن سینا و ملاصدرا، علت اصلی ترس از مرگ را جهل انسان‌ها نسبت به واقعیت مرگ و حوادث پس از آن دانسته‌اند (عبدالخالق، ۱۹۹۸). وجودگرایان، معتقد‌ند با وجود اینکه مرگ واضح‌ترین و قابل درک‌ترین دلواپسی غایی بشر است، اضطرابی در فرد بر می‌انگیرد که برای بیشتر انسان‌ها قابل تحمل نیست، به گونه‌ای که اغلب از آگاهی هشیار افراد دور نگه داشته می‌شود (کوبلر راس^۲؛ می و یالوم^۳؛ ۲۰۰۰؛ روزنبلاد، گرینبرگ، سولومون، پیزینسکی و لاین^۴؛ ۱۹۸۰؛ یالوم، ۱۹۸۹؛ محمدپور، ۲۰۱۱). اما، اگر سلامتی را بسط هشیاری و خودشناسی تعریف کنیم (قربانی، ۲۰۱۳) و رویارویی را جوهره تمام فنون روان‌درمانی بدانیم (مک کالو و همکاران^۵؛ ۲۰۰۳)، ارزش رویارویی واقعی با مرگ و مرگ‌آگاه شدن برابر با تمام درمان است (یالوم، ۱۹۸۰؛ می و یالوم، ۲۰۰۰؛ علی‌اکبری دهکردی

1. Wong, W.

2. Kubler-Ross, E.

3. May, R., & Yalom, I.

4. Rozenblad Rosenblatt, A., Greenberg, J., Solomon, S., Pysczynski, T., & Lyon, D.

5. McCullough, L., Kuhn, N., Andrews, S., Kaplan, A., Wolf, J., & Hurely, C.

و دلیر، ۲۰۰۹) چراکه، راه دادن هیچ محرکی به هشیاری به اندازه راه دادن مرگ به هشیاری باعث بسط هشیاری و خودشناسی نمی‌شود (یالوم، ۱۹۸۰؛ فایرستون و کلتل^۱، ۲۰۰۹).

در یک بررسی کلی، نتایج نشان داد روان‌شناسان تا چندی قبل، مفهوم مرگ را مرحله انتقالی در چرخه زندگی نمی‌دانسته و حتی بررسی آن را چندان خواهایند نمی‌دیدند اما در این اواخر، به طور جدی و به‌ویژه در حوزه روان‌شناسی رشد، بدان پرداخته‌اند. همچنین، بررسی‌ها، خطوط مقدم تحقیق پیرامون مسئله مرگ در روان‌شناسی را، نگرش‌های اشار مختلف جامعه نسبت به مرگ، اضطراب مرگ و درمان روان‌بیماران لاعلاج دانست و اعلام نمود این تلاش‌ها در ادامه، باعث به وجود آمدن بیمارستان‌های روانی متعددی برای این دست از بیماران و باز شدن مسیر تحقیق و پژوهش در حوزه مرگ‌شناسی شده است (کاستنبرگ^۲، ۲۰۰۳، ص ۹۷). در این مسیر، روان‌شناسان برای تعیین نگرش اجتماع نسبت به مرگ، صدھا پژوهش بر روی مردان، زنان، بیماران در آستانه مرگ و حتی کودکان انجام داده‌اند که نتایج بر جای مانده از آنها را می‌توان در چند نکته خلاصه نمود: نخست، اکثریت قریب به اتفاق مردم درباره مرگ، می‌اندیشند، اما تنها میان عده‌ای از ایشان هراس از مرگ وجود دارد. تعداد کسانی که به‌طور دائم درگیر اندیشه مرگ هستند و از آن هراس دارند، اندک است. زنان اغلب بیشتر از مردان از مرگ می‌هراسند، اما به‌طورکلی، تفاوت هراس از مرگ، میان دو جنس، ناچیز است. همچنین، هراس از مرگ با افزایش سن، افزایش پیدا نمی‌کند و سرانجام اینکه در مواجه با مرگ خویش، نگرانی‌های اغلب مردم عبارتند از: درد ضمی (نگرانی از داشتن مرگ دردنگ)، واپستگی به هنگام مرگ، تنهایی و بدون یاور ماندن در هنگام مرگ و نگران اوضاع بازماندگان و خویشان خود بودن (همان، ص ۱۰۷). در ادامه روان‌شناسان به حوزه‌های دیگر مربوط به مرگ، همچون کشتن^۳، کشته شدن^۴، خودکشی^۵، جنگ، سوگواری^۶، مردۀ خواهی^۷ و تجربه‌های نزدیک به مرگ^۸ وارد شدند.

1. Firestone, R., & Catlett, J.

2. Castenberg, R.

3. kill.

4. to be killed.

5. Suicide.

6. Mourning.

7. Necrophilia.

8. Near-Death Experiences.

با پیشرفت هر روزه علم روان‌شناسی، روان‌شناسان شروع به صورت بندی تحقیقاتشان در قالب نظریه کردند. به عنوان نمونه، نگی^۱ مرگ را واحد دو ویژگی مهم و متمایزکننده «اجتناب‌ناپذیر بودن (تجربه مشترک همه انسان‌ها) و برگشت‌ناپذیری» می‌داند و یک تقسیم‌بندی سه مرحله‌ای در مورد ادراک معنای مرگ در انسان انجام داده است (بلکه‌ام^۲، ۱۳۶۸، ص ۱۲۵). پیاژه^۳، فائل به وجود یک سطح عملی انتزاعی یا به عبارت بهتر، توانایی تفکر درباره مرگ است که تا اوایل نوجوانی (۱۲ سالگی به بعد) به وجود نمی‌آید و شاید تا فرد رویدادهای عالی ذهنی را گسترش نداده باشد، قادر به استنباط کامل پایان‌پذیری زندگی و اجتناب‌ناپذیری مرگ نیست و تنها در این سنین است که مرگ را به عنوان یک مقوله انتزاعی درک می‌کند و تا قبل از این سن، تفکر کودکان عینی وتابع لفظ و صورت است (ادوارد و وارد^۴، ۱۳۷۷). فروید^۵، در اوایل جنگ جهانی اول در مقاله‌ای به عنوان «اندیشه‌های درخور ایام جنگ و مرگ» می‌نویسد: «اگر می‌خواهی زندگی را تاب آوری، خود را برای مرگ آماده کن» (فروید، ۲۰۰۱، ص ۲۶۱). از نظر او «اروس^۶» مایه دوستی و صیانت ذات است اما «تانا توس^۷»، «موجب مرگ و نیستی و عداوت و انعدام نسل است (همان، ص ۷۴). فروید به دو غریزه مرگ و زندگی در وجود انسان معتقد بود و می‌گفت بیشتر اوقات در کشاکش بین لبه «غریزه زندگی^۸» و «غریزه مرگ^۹»، غلبه با غریزه مرگ است و به طور معمول، نیروی مخرب‌کننده، قوی‌تر از نیروی سازنده است (لپ^{۱۰}، ۱۳۷۱، روان‌شناسی مرگ، ص ۷۸). او همچنین،

1. Marie Negi.

2. Buckman, R.

3. Piaget.

4. Edward and Ward.

5. Freud.

6. Eros.

7. Tanatos.

۸. واژه «تانا توس» که به غریزه مرگ ترجمه شده به فرشته «مذکر بالدار» گفته می‌شود که مجسم کننده مرگ است (رایج در ادبیات یونان باستان).

9. life instinct.

10. death instinct.

11. Lap, A.

«садیسم»^۱ و «مازوخسیم»^۲ را دو چهره از همان تمایل ویرانگر به شمار می‌آورد. فروم^۳، غریزه مرگ و محصول آن گرایش به ویرانگری را پیامد زیستن نادرست و در حقیقت پدیده‌ای ثانوی نسبت به شکست در هنر زیستن می‌دانست. وقتی که غریزه مرگ، بر سایر گرایش‌های انسان تسلط می‌یابد، نشانگر اختلال دماغی است و برخلاف نظر فروید، پدیده‌ای بهنجار محسوب نمی‌شود (حقایق و کجبا، ۱۳۹۵، ص ۷). یالوم، فرض می‌کند که رابطه مستقیم بین آگاهی از مرگ و ترس پس از آن وجود دارد (هالتروف^۴ ۲۰۱۰). او اندیشیدن و رویارویی با مرگ را تجربه‌ای برانگیزاننده می‌داند که باعث می‌شود افراد به طرز چشمگیری تغییرات مثبت در زندگی شان ایجاد کنند. آنها با تحقیر مسائل پیش‌پاافتاده روزمره، به زندگی خود سروسامان می‌دهند و این قدرت را به دست می‌آورند که دست به کارهایی بزنند که از قبل، مایل به انجام آن نبوده‌اند. پیوند‌هایشان با دیگران قوی‌تر و نسبت به موahib زندگی قدردانی می‌کنند (یالوم، ۲۰۰۸). فرانکل^۵، که به عنوان پدیدآورنده معنادرمانی فردی شناخته شده است، نه تنها مرگ را تهدید نمی‌داند بلکه معتقد است مرگ، انسان را وادار می‌کند که از زندگی استفاده حداکثری کند و از هر فرصتی برای انجام کارهای معنادار، استفاده نماید. بنابراین، توجه به مرگ می‌تواند زمینه‌ساز خلاقیت و زندگی کامل شود (شارف^۶، فیروزبخت، ۱۳۹۲). از نگاه خانم کوبیرراس، انسان در فرایند مردن، باید آگاهانه مرگ خویش را پذیرد (کوبیرراس، ۱۳۸۶) چراکه، مرگ‌آگاهی، می‌تواند به افراد کمک کند که به سلامت جسمانی خود اهمیت داده و ارزش‌های فرالسانی و نوع دوستانه را در نظر بگیرند، دیگران را دوست بدارند، ارتباط سالم و آرام‌بخشی با دیگران برقرار کنند، کارهای خیرخواهانه انجام بدeneند، نگرش بازتر و خوش‌بینانه‌تری داشته و در نهایت از سلامت روان بالاتری برخوردار باشند (کنس و جکوب^۷، ۲۰۱۵). درواقع، مرگ‌آگاهی، الهام‌بخش بوده و با نوآوری همراه است و کمک می‌کند تا فرد به عالمی ورای خود پیوندد (گرینبرگ، کول و پیزینسکی^۸، ۲۰۰۴).

1. Sadism.

2. Masochism.

3. Fromm.

4. Hoelterhoff, M. E.

5. Frankl.

6. Sharf.

7. Kenneth, V & Jacob, J.

8. Greenberg, J., Koole, S. L., & Pyszczynski, T.

مرگ آگاهی^۱ در اصطلاح، به تلاش‌هایی که افراد برای آگاهی از چیستی و حقیقت مرگ انجام می‌دهند، گفته می‌شود (استین و کروپانزانو^۲، ۲۰۱۱). البته به نظر می‌رسد مرگ آگاهی، مفهومی فراتر از مرگ‌اندیشی است که علاوه بر جنبه‌های شناختی وجود مرگ، ابعاد هیجانی (عاطفی) و رفتاری انسان درباره مرگ را نیز در بر می‌گیرد. درواقع، مرگ آگاهی، همان آوردن مرگ به سطح هشیاری و ارجاع آن به حوزه عمل است (قبری و مشایخی، ۱۳۹۱). طبق یک تقسیم‌بندی، مرگ آگاهی را می‌توان به دو نوع مجزای اضطراب مرگ و مرگ‌اندیشی در نظر گرفت که با افزایش بُعد مرگ‌اندیشی، بُعد اضطراب مرگ در آدمی کاهش می‌یابد (گرنت و وید بنزونی^۳). درواقع، شاید بهتر باشد که گفته شود که مرگ آگاهی دو پیامد عمدۀ، اضطراب مرگ و مرگ‌اندیشی را با خود به همراه دارد.

در خصوص مطالعات و تاریخچه پژوهشی در مورد مرگ آگاهی، می‌توان گفت که پژوهش‌های در دو حوزه روان‌شناسی و اسلامی کار شده است. در حوزه روان‌شناسی، مداخلات مرگ آگاهی دو دسته هستند: دسته‌ای از مداخلات برای پژوهش‌ها و دسته‌ای دیگر در کار بالینی و درمانی به کار رفته‌اند (یالوم، ۱۹۸۰، فصل پنجم؛ کوپر^۴، ۲۰۰۳، ص ۷۶). این دسته اخیر را نیز می‌توان به دو دسته تقسیم نمود: روش‌های طبیعی و روش‌های مصنوعی. در روش‌های طبیعی، مداخله بر حالتی از نزدیکی به مرگ که به صورت طبیعی رخ داده، متتمرکز می‌شود، مانند سلطان و ایدز. در روش‌های مصنوعی، درمانگر آگاهی از مرگ را برای مراجع می‌آفیند، مانند این‌که مراجع، آگهی ترحیم خود را بنویسد. برای نمونه، ویسنزکا^۵ (۱۹۹۹) در پژوهشی نشان داد که آگاهی از مرگ موجب افزایش مسئولیت‌پذیری در افراد می‌شود و همچنین افزایش آگاهی از مرگ می‌تواند به غلبه کردن ما در ترس از مرگ کمک کند و در عین حال بهتر است که به جای انکار مرگ و عدم بحث و گفتگو در مورد آن، به افراد کمک شود تا با آگاهی، با واقعیت مرگ مواجه شوند. نتایج یک تحقیق هم‌سو نیز نشان داد که به طورکلی، افراد روان‌نجرور برای اینکه مرگ را بیاد نیاورند از یک سری دفاع‌ها استفاده

1. Death awareness.

2. Stein, J. H., & Cropanzano, R.

3. Grant, A. M. & Wade-Benzoni, K. A.

4. Cooper, M.

5. Wysoczańska, A. W.

می‌کنند تا اضطراب افکار مرگ را کاهش دهند (ماکس فیلد^۱ و همکاران، ۲۰۱۰). یافته‌های پژوهشی دیگری، نشان داد گروهی که به طور واقعی با مرگ خود روبه رو می‌شوند و نسبت به آن آگاهی پیدا می‌کنند، نسبت به گروه کنترل، هیجانات مثبت بیشتری را تجربه می‌کنند (گرنسن^۲ و همکاران، ۲۰۱۷). همچنین، نتیجه یک پژوهش حاکی از آن است که آموزش مرگ (مرگ‌آگاهی) منجر به تغییر در ادراک، رفتارها و نگرش‌های پرستاران و دانشجویان پرستاری شده است (ژانگ، هو، زنگ، ما ولی^۳، ۲۰۲۰).

در مورد مرگ و مرگ‌آگاهی با رویکرد اسلامی نیز پژوهش‌هایی انجام شده است. برای نمونه، مظفری و رسی (۱۳۹۲)، ضمن مفهوم‌شناسی و بیان انواع مرگ به جنبه‌های مذهبی، اخلاقی و روان‌شناختی آن اشاره نموده و در ادامه به موانع، راهکارها، آسیب‌ها و آثار مثبت مرگ‌اندیشی براساس آموزه‌های اسلامی پرداخته است. عسکری یزدی، قمی و رازآبادی (۱۳۹۷) بعد از تبیین ماهیت مرگ، به بررسی مقایسه نقش مرگ در معنا بخشی به زندگی از نگاه حکمت صدرایی و اگزیستانسیالیسم الحادی پرداخته‌اند. زندی و موسوی (۱۳۹۶) با استفاده از رویکرد وجودی نگر به تبیین کلی روایات مرگ پرداخته و نشان داده‌اند که مرگ‌آگاهی از طریق برخی متغیرهای میانجی (خودشناسی، هوشیاری و مراقبه) زندگی را معنادار و اصیل می‌کند. ایمانی خوشخواه و اسماعیلی (۱۳۹۴) به بازخوانی مفهوم مرگ و رابطه متقابل میان یاد مرگ و آثار آن پرداخته‌اند. طاهری سرتشنیزی و موسوی (۱۳۹۱) در پژوهشی ضمن بررسی فهم درست از مرگ و حیات به این نتیجه دست یافته است که تقویت ایمان عامل بنیادی برای مرگ‌آگاهی و زدودن غفلت در این زمینه می‌باشد. ملکشاهی بیرون‌نond و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی دریافتند که مداخله مبتنی بر مرگ‌آگاهی به کاهش اضطراب مرگ و کاهش علائم اختلال وحشت‌زدگی منجر می‌شود. فرحبخش، کاظمیان و ردایی (۱۳۹۶) در پژوهشی از نوع مطالعات کیفی مدعی شدند که فرایند مرگ‌آگاهی و بینش نسبت به واقعیت مرگ از طریق تقویت علاقه اجتماعی، مثبت‌اندیشی و افزایش سطح آسایش و امنیت روانی مراقبت‌کنندگان بیماران سرطانی و بهبود رضایت آنها از وضعیت زندگی خویش و دشواری‌های آن، سازگاری با فرایند مراقبت و وضعیت حاصل از بیماری فرد سرطانی را تا حد زیادی افزایش می‌دهد. صالحی و اکبرزاده

1. Maxfield, M., Solomon, S., Pyszczynski, T., and J Greenberg, J.

2. Goranson, A., Ritter, R.S. Waytz ,A, Norton, M.I , Gray, K. Dying.

3. Zhang, H. Hu, M. Zeng, L. Ma, M & Li, L.

(۱۳۹۴) در پژوهش کیفی خود به تحلیل دیدگاه اسلامی و اگزیستانسیالیسم در زمینه مرگ‌آگاهی و پیامدهای مختلف آن بر سبک زندگی با هدف شناخت دقیق وجوده تشابه و تفاوت دو نظریه پرداخته‌اند. قانعی‌راد و کربیمی (۱۳۸۵)، با نگاه پدیدارشناسی، دریافتند که بارزترین تمایز موجود در مجموعه تصورات از مرگ، متأثر از فهم‌های مذهبی است و خانواده، سهمی اساسی در فرایند چنین فهمی دارد. همچنین اعتقاد به خدا و جهان پس از مرگ (معد)، پذیرش نسبی واقعیت مرگ و ترس ناشی از آن و اندیشه وقت یا دائمی مرگ، بخشی از معانی نهفته تجربه ذهنی مرگ را تشکیل می‌دهند. توان، جهانی و حکمت‌پور (۱۳۹۲)، در پژوهشی کیفی، دریافتند که مرگ مرحله‌ای از تکامل زندگی بشر است و توجه و اندیشیدن به مرگ و جهان آخرت، انسان‌ها را از گناهان و خواهش‌های نفسانی دور می‌کند و نقش بسزایی در سازندگی آنان دارد. و سرانجام احمدی و همکاران (۱۳۹۸) نیز در پژوهشی بدین نتیجه رسیدند که بیماری سلطان، ضمنن یادآوری مرگ برای افراد مبتلا، موجب می‌گردد که برخی از مقابله‌های مذهبی در سبک زندگی آنها پدیدار شده یا افزایش یابد. به عنوان نمونه، این بیماران پس از ابتلا، بیشتر تمایل داشتند که به انجام خیرات به فقرا و همین طور توسل به امامان علیّه السلام و زیارت بپردازند.

اما مطابق بررسی‌ها، در آثار روان‌شناسان، ناخواسته یا ناتوانسته، اشاره‌ای به آموزه‌های غنی اسلامی در زمینه مفهوم مرگ‌آگاهی و بهویژه مؤلفه‌های آن نشده است و نیز پژوهشگران اسلامی این مفهوم را یا به‌طور مستقیم و کامل مورد مطالعه قرار نداده و یا از زاویه روان‌شناسی آن را بررسی نکرده‌اند. بنابراین، این آموزه نیازمند بررسی‌های جامع‌تر در حیطه منابع اسلامی بوده و تبیین‌های روان‌شناسی دقیق‌تری را می‌طلبند. لذا به نظر می‌رسد، این پژوهش بتواند ارزش‌های روان‌شناسی مفهوم مرگ‌آگاهی را از منابع اسلامی اکتشاف و زمینه‌های عملیاتی‌سازی آن را مطرح سازد. بنابراین، این پژوهش در پی آن است که با رویکردی تأسیسی و براساس روشی کیفی مجموع مفاهیم موجود مشیر به مرگ‌آگاهی در منابع اسلامی را در یک مدل مفهومی مورد بررسی قرار داده و میزان روایی آن را بسنجد. همچنین، پژوهش حاضر به دنبال بررسی این سؤال است که مؤلفه‌های روان‌شناسی مفهوم مرگ‌آگاهی براساس منابع اسلامی کدامند؟

روش پژوهش

در این تحقیق از روش تحلیل کیفی محتوای متون دینی (شجاعی، ۱۳۹۹ الف) استفاده

شده است. پایه و اساس تحلیل کیفی محتوای متون دینی، پردازش فعال متن (مفاهیم، واژه‌ها، گزاره‌ها) است که با به کارگیری اصول معناشناسی زبانی (شجاعی، جانبازگی، عسگری، غروی راد و پسندیده، ۱۳۹۳) صورت می‌گیرد. جامعه متنی این پژوهش، قرآن کریم و منابع حدیثی شیعه بود. نمونه‌گیری به صورت شبکه‌ای^۱ و احاده‌ای نمونه‌گیری، گزاره‌های ناظر به مرگ‌آگاهی بودند. فرایند پژوهش به این شکل بود که ابتدا با استفاده از راهبرد «جستجوی واژگانی» در منابع اسلامی، تمامی کلید واژه‌های که در ارتباط با مفهوم مرگ (به معنای عام) که ۳۹ مورد شد^۲، شناسایی، جمع‌آوری و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. سپس با استفاده از اصل هم‌معنایی^۳، تقابل معنایی^۴ و حوزه واژگانی^۵ از اصول معناشناسی زبانی در چندین رفت و برگشت میان منابع اسلامی و کتب لغوی محقق به این نتیجه رسید و واژه‌های موت، توفی، رجوع، آخرت، رحلت، اجل، یقین، معاد و ذکر الموت، واژه‌های جامع‌تر و نزدیک‌تری به مفهوم مرگ‌آگاهی بوده و با بررسی در منابع اسلامی در کنار معانی لغوی و اصطلاحی مشخص گردید که این چند واژه برای اکتشاف مفهوم، مؤلفه‌ها و مقوله‌های مرگ‌آگاهی به کار روند. سپس در یک توالی نقطه به نقطه و به صورت تدریجی، مستندات مربوط به مرگ‌آگاهی گردآوری و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. استراتژی توالی نقطه به نقطه در پژوهش‌های فرایندی و مواردی که پژوهشگر یافته‌های مربوط به یک مرحله از تحقیق را نقطه شروعی برای مرحله بعدی در نظر می‌گیرد (شجاعی، ۱۳۹۹ ب) کاربرد دارد. همچنین، در این پژوهش، جهت اعتبارسنجی یافته‌ها یعنی همان الگوی مفهومی و مؤلفه‌های مرگ‌آگاهی، علاوه بر دقت و بازنگری توسط خود فرد (پژوهشگر)، محققان دیگر (داوران که در این زمینه تخصص دارند) نیز نتایج به دست آمده از تحقیق را ارزیابی می‌کنند. در صورتی که ارزیابی مثبت و نتایج نظر کارشناسان با نتایج پژوهش هماهنگ باشد، تصور می‌شود که این قسمت از پژوهش از اعتبار و روایی

1. Network sampling.

۲. مَوْتٌ، مَمَاتٌ، تَوْفِيٌ، فَوْتٌ، وَفَاتٌ، أَجْلٌ، رُجُوعٌ، رَجْعَةٌ، رَجْعَةٌ، مَعَادٌ، آجَرَتٌ، لِقاءُ اللَّهِ، رِحْلَةٌ، صَبِيرَةٌ، طَلَعٌ، بَلَغٌ، حَضَرٌ، سَكَرٌ، غَمَرٌ، عَشَىٰ، قَتْلٌ، هَلْكٌ، صَعْقٌ، تَزْعٌ، ذِكْرُ الْمَوْتٍ، سَوقٌ، قَبْضٌ، مَنْيَةٌ، مَمْنُونٌ، جَمَّةٌ، ذَعْفَانٌ، شَعْوَبٌ، عَبُولٌ، فَنَقْعٌ، فَوْظٌ، فِيظٌ، حَتْفٌ، يَقِينٌ.

3. Synonym.

4. semantic opposition.

5. lexical field.

لازم برخوردار است (المناسره، مولس و چن^۱؛ پولیت، بک و اوون^۲، ۲۰۱۹، ۲۰۰۷). بنابراین، در پژوهش حاضر، برای بررسی و اعتبارسنجی کیفی و انطباق برداشت‌های محقق در مورد روایی وابسته به محتوا، از نظر کارشناسان علوم اسلامی و روان‌شناسی استفاده شد. به این منظور، ضمن تهیه جدولی مشتمل بر توضیح فرایند استنباط سبک‌های اسناد در قرآن، از ۱۰ کارشناس متخصص علوم اسلامی و روان‌شناسی خواسته شد: ۱) میزان مطابقت و ضرورت محتوای استنباطی را با مستندات و موضوعات در یک طیف لیکرت چهار درجه‌ای مشخص کنند، ۲) مفید بودن و کاربردپذیری یافته‌های این پژوهش را در روان‌شناسی تعیین کنند. روش کار به این صورت بود که اطلاعات به دست آمده پس از دسته‌بندی، در یک فرم که برای روایی‌سنگی در نظر گرفته شده بود، به ۱۰ کارشناس دارای سابقه تحصیلات حوزوی و دانشگاهی در مقطع دکترا ارائه گردید.

یافته‌های پژوهش

در مرحله نخست، برای به دست آوردن تمام آیات و روایاتی که شامل مفهوم «مرگ» و «مرگ‌آگاهی» است با مراجعه به لغتنامه‌ها و معاجم لغوی، واژه «مرگ»، «آگاهی» و «مرگ‌آگاهی» و مترادف‌ها و معادل‌های آنها پیدا شد. بعد با مراجعه به قرآن و منابع روایی، آیات و روایاتی را که این لغات در آنها وجود دارد استخراج گردید. شایان ذکر است که محقق در فرایند جستجو، به آیات و روایاتی برخورد نمود که در عین حالی که حاوی این واژه‌ها نبودند اما امکان استنباط مفهوم مرگ‌آگاهی و مؤلفه‌های آن از آنها وجود داشت لذا برای کامل‌تر شدن کار، آنها را نیز به عنوان یافته‌ها اضافه نمود. در این راستا، ابتدا، سه دسته از آیات قرآن در قالب؛ معانی، قلمرو و ضرورت مرگ، مورد تحلیل قرار گرفت.

جدول ۱: معانی مرگ

نمونه شواهد	مضامین
مرگ زمین علامت کشف رموز مرگ انسان ۳۹ فصلت، ۱۱ زخرف، ۵ جاثیه، ۹ فاطر	
مرگ طبیعی (مرگ انسان) ۹۳ انعام	
مرگ‌های متفاوت برای انسان‌ها ۳۲ نحل، ۵۵ آل عمران، ۵۱، ۵۰ انفال، ۱۱، ۱۰ احزاب	

1. Almanasreh, E., Moles, R., & Chen, T. F.

2. Polit, D. F., Beck, C. T., & Owen, S. V.

مرگ به معنای توفی	۱۲۶ اعراف، ۲۷، ۲۸ نحل، ۱۰۱ یوسف
مرگ به معنای خواب	۶ انعام، ۴۲ زمر
مرگ خاص(شهادت) نپذیرفتن زندگی پس از مرگ به معنای اذکار خدا	۱۵۷، ۱۵۸، ۱۶۹ آل عمران، ۱۵۴ بقره، ۱۲۵ اعراف
مرگ به معنای جهل و گمراهی	۱۲۵ توبه، ۷۰ یس، ۴۲ افال، ۹۷ نحل
مرگ به معنای کفر	۱۹ روم، ۳۱ بونس، ۹۵ انعام، ۲۷، ۲۸ آل عمران
مرگ خاص با دارا بودن امکان برگشت به زندگی	۵۶، ۷۳، ۲۴۳ بقره
مرگ به معنای عدم	۲۳ مريم
مرگ به عنوان نعمت (رهایی از عذاب)	۷۴ طه، ۱۳ اعلی، ۱۷ ابراهیم
مرگ به عنوان یقین آور	۹۹ حجر، ۴۷ مدثر، ۱۸ نساء، ۲۶۰ بقره، ۲۵۹ ق
مرگ، قیامت کوچک	۱۰۵ طه، ۳ انفطار، ۱، ۴ انشقاق، ۱، ۵ تکویر

جدول ۲: ماهیت مرگ

نمونه شواهد	مضامین	موضوعات
۳۸ انعام	اشتراك مرگ بين انسان و ديگر حيوانات	عمومي بودن مرگ
۱۸۵ آل عمران، ۵۷ عنكبوت	همه نقوص چشنه مرگ	
۱۵ مؤمنين، ۳۵ آنبية، ۸۸ قصص	مرگ تمامی مخلوقات، فناي هر چيزی جز خدا	
۳ زمر، ۳۴ آنبية	مرگ برای همه؛ حتی برترین بندگان خدا	
۷۸ نساء، ۸ جمعه، ۱۹ ق	نذير و محقق بودن مرگ	حتمي بودن مرگ
۶ واقعه، ۶۱ انعام	مرگ تقدير الهي	
۱۱، ۱۰ منافقون	کوتاهی عمر انسان و لزوم غنیمت شمردن فرصت‌ها	
۱۱ فاطر، ۳۴ اعراف	مرگ سرنوشت محظوظ هر فرد و هر اجتماعي	
۵ عنكبوت، ۳۴ آنبية	حتمي بودن مرگ، مژده برای مؤمنان	
۱۵۶، ۱۶۸ آل عمران	سرزنش افراد به علت غير حتمي دانستن مرگ	
۸۷ واقعه	غيراتفاقی و تصادفي بودن مرگ	

۳۱ یونس، ۴۴ نجم، ۴۳ جاییه، ق، ۲۶ خداوند به عنوان میراننده	مرگ مظہر قدرت خداوند
۶۶ حج	
۶۸ غافر	
۲۷ جاییه، ۲ دخان، ۸ نکوهش به دست روزگار دانستن مرگ، خداوند تنها زندگاننده و میراننده	
۸۱ شعراء، ۱۵ یونس، ۱۵ میراندن و ایجاد خلقی جدید از مظاہر قدرت خدا	
۱۶ فاطر، ۳۴ لقمان علم زمان و مکان مرگ انسان‌ها مختص خدا	
امر به پرستش میراننده	

جدول ۳: ضرورت مرگ^۱

موضوعات	مضامین	Shawahed
مرگ آگاهی	تفکر درباره نزدیکی مرگ	۱۸۵ اعراف
	نظر کردن علمی در انتقال خلق از خانه‌ای به خانه دیگر آگاهی انسان از مرگ به دلیل تفکر و تعقل	۲۷ عنکبوت، ۴ روم، ۴ نوح
	ایجاد زمینه برای زندگی نسل جدید	۲۴، ۲۴، ۲۵ اعراف
	وسیله‌ای برای تبدیل شدن خلق انسانی به خلقی برتر	۶۱ واقعه
	زمینه‌ساز داوری درباره انسان	۳۵ انبیاء
	آزمایش انسان در زندگی به صورت خیر و شر سبب محدودیت و اعتباربخشی به زندگی به منظور آزمایش انسان برای مشخص شدن عیار او	۱۷ انفال، ۳۳ دخان، ۲ دهر، ۱۵۵، ۱۵۷، ۱۵۹ بقره، ۱۷ انفال،
	در کنار زندگی امری وجودی و وسیله آزمایش انسان لزوم بادآوری مرگ برای بندگی به سبب صبر بر آن	۲ ملک

۱. از دستاوردهای مهم فلسفه ملاصدرا، اثبات وجودی بودن مرگ و امكان معرفت به آن است؛ زیرا اگر مرگ امری عدمی و عدم ملکه حیات، پنداشته شود، مستلزم تفسیری سلبی از آن خواهد شد؛ چراکه علم به امری معدوم، تنها به واسطه علم به مفهوم آن صورت می‌گیرد که فقط الفاظ و عناوینی برای امور باطل الذات‌اند (صدرالدین شیرازی، ۱۴۱۹، ج، ۱، ص ۲۳۹). درنتیجه، امکان معرفت و آگاهی به مرگ وجود دارد. لذا، هنگامی که انسان به مرگ خود می‌اندیشد، نسبت به آن آگاهی یافته است؛ این آگاهی می‌تواند زمینه‌ساز ایجاد ترس و اضطراب در انسان باشد. انسان به تجربه دریافته است که برای غلبه بر ترس از امری، بهترین راه شناخت دقیق آن است در نتیجه برای شناخت مرگ علاوه بر بررسی ماهیت آن، باید به بررسی ضرورت آن نیز پرداخت.

در ادامه برای استخراج و استنباط مؤلفه‌ها از این منابع و منابع دیگر، با بررسی نقاط مشترک و عناصر معنایی آیات و روایات، از هرچند آیه یا روایت حاوی مضمون مشترک، یک مؤلفه در پایان یک سازه استنباط شد. درواقع، پژوهشگر با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی، ابتدا کدگذاری باز و بعد از آن، مقوله‌بندی نموده و به کدهای محوری (مؤلفه‌ها) رسید.

مؤلفه‌های مرگ‌آگاهی براساس منابع اسلامی

این پژوهش با هدف دستیابی به مؤلفه‌های مرگ‌آگاهی در منابع اسلامی انجام شد که حاصل آن دستیابی به نتایجی چون معنابخشی به زندگی انسان، تزریق عنصر حرکت به آن، قدر نهادن فرصت زندگی، افزایش صبر و بردباری در برابر ناملایمات، التزام به هنجارهای اخلاقی، کاهش جرایم و فساد و وجود رابطه متقابل میان آگاهی از مرگ می‌باشد. به این منظور، در مرحله اول، به مشاهده نظام‌مند مفاهیم مرتبط با مرگ‌آگاهی در منابع اسلامی و گردآوری اطلاعات از طریق متن‌خوانی باز، پرداخته شده است. از آنجاکه اصل در این پژوهش، بررسی ماهیت مرگ‌آگاهی در منابع اصیل اسلامی بود، لذا بر آیات و روایات ائمه معصومین علیهم السلام تمرکز شد و آیات و روایات مربوط به مرگ و مرگ‌آگاهی با توجه به واژه‌شناسی، مؤلفه‌شناسی، اهمیت، کارکردها، مراتب و پیامدها بررسی شد. برای مثال: در نهج البلاغه امام علی علیه السلام، «موت» را این‌گونه معنا می‌فرمایند: «الْمَوْتُ مُفَارَّقَةُ الْفَنَاءِ وَ إِرْتِحَالٌ إِلَى دَارِ الْبَقَاءِ»؛ «مرگ جدا شدن از سرای فانی و رحلت به سوی سرای باقی است» (آمدی، ۱۴۱۰، ج ۲، ۱۶۱). که مرگ در اینجا به معنای انتقال بوده و امری است وجودی که مانند حیات خلقت‌پذیر است (طباطبایی، ج ۱۹، ص ۵۸۵). همچنین، نخستین حقیقتی که از تأمل در روایات درباره واژه «ذکر الموت» به دست می‌آید، ذهنی، قلبی و درونی بودن واقعیت ذکر می‌باشد که در روایتی می‌فرمایند: «إِكْثِرُوا ذِكْرَ الْمَوْتِ فَمَا مِنْ عَبْدٍ أَكْثَرَ ذِكْرَهُ إِلَّا أَحْيَا اللَّهَ قَلْبَهُ» (مرگ را بسیار یاد کنید، زیرا هیچ بنده‌ای آن را بسیار یاد نکرد مگر اینکه خداوند دل او را زنده گردانید) (محمدی ری شهری، ۱۴۱۶، ح ۱۹۱۵۴).

امام صادق علیه السلام در باب رابطه بین غفلت و مرگ‌آگاهی نیز چنین می‌فرمایند: «ذِكْرُ الْمَوْتِ يَقْعُدُ مَنَابِتَ الْغَفْلَةِ»، «یاد مرگ ریشه‌های غفلت را ریشه‌کن می‌کند» (ابن طاووس، ۱۳۷۶، ص ۷۲). ماده «وفی» نیز با مشتقاتش در حدود ۳۷ بار در قرآن تکرار شده است که ۱۴ بار

با تعبیرهای «نتوفی» (تحویل می‌گیریم) و «یتوفی» (تحویل می‌گیرد) آمده است: (زمر، ۴۲؛ سجده، ۱۱؛ انعام، ۶۱)؛ (نحل: ۲۸)؛ (زمر، ۴۲)؛ (یونس، ۱۵۴)؛ (اعراف، ۳۷)؛ (نحل، ۳۲) که معنا و منظور آن، گرفتن و دریافت کردن بدون کم و کاست است. لذا تحویل گرفتن، نشانه باقی ماندن و ثابت بودن است و به کار بردن آن درباره مرگ می‌تواند به این دلیل باشد که مرگ، نیستی و نابودی و فنا نیست، بلکه انتقال از عالم به عالمی دیگر است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ ج ۲۰، ص ۱۶۷). باز، واژه «معد» نیز می‌تواند از مفاهیم مرتبط و نزدیک به مرگ آگاهی در نظر گرفته شود؛ زیرا بدون تحقق مرگ، معادی رخ نخواهد داد. پس برای آگاه شدن از معاد باید از وقوع مرگ آگاه شد: **فَإِنَّ الْغَايَةَ أَمَّا مَكُّهُ وَإِنَّ وَرَاءَكُمْ السَّاعَةَ تَحْمُدُكُمْ** «هدف آخرت پیش روی شماست و مقدمات قیامت از پشت سر، شما را به پیش می‌راند (شريف‌الرضي، ۱۴۱۴، خطبه ۲۱، ص ۱۱۱). و از طرفی، کسی که در اندیشه معاد است به طور حتم، باید در اندیشه مرگ هم باشد. پس، بین معاد آگاهی و مرگ آگاهی ارتباطی مستقیم وجود دارد. چراکه، معاد اندیشی ب نوعی انگیزه‌ای برای مرگ آگاهی است؛ زیرا انگیزه آدمی یا از طریق تشویق محقق می‌شود و یا از طریق ترهیب و تهدید و توبیخ. حتی مرگ آگاهی زمینه را برای توجه به عالم آخرت نیز مهیا می‌سازد؛ زیرا لازمه استکمال حیات دنیوی وجود عالمی به نام «آخرت» است که از طریق مرگ به انسان پیوند می‌خورد. امام علی علیه السلام در نهج البلاغه به صراحة از عالم آخرت سخن گفته و توجه به آن را امری ضروری می‌داند (شريف‌الرضي، ۱۴۱۴، خطبه ۱۰۹، ص ۱۵۸). لازم به ذکر است که به غیر از واژه‌های فوق، واژه‌های دیگری مانند: رجوع، وفى، صیرورت، حضر، فیظ، رحلت، قبض و مُنیه نیز با مرگ آگاهی در ارتباط هستند که در لابلای مطالعات مورد توجه قرار گرفته‌اند. بنابراین، در مجموع، بعد از شناسایی واژگان و تبیین معانی لغوی و اصطلاحی آنها، در ادامه سعی شد تا جهت بررسی مؤلفه‌های مفهوم مرگ آگاهی، اقدام شود. بر اساس یافته‌های پژوهش در این بخش، ده مؤلفه به دست آمد که در ادامه فرایند مفهوم‌سازی همراه با مستندات مربوط به هر کدام از آنها ارائه می‌شود.

جدول ۴: مستندات، محتواهای استنباطی و مؤلفه‌های مربوط به مرگ‌آگاهی در منابع اسلامی

سازه	مؤلفه‌ها	مفاهیم استنباط شده	مستندات
مرگ‌آگاهی	کنون	گذرگاه همگانی	۱. إِنَّ لِكُلِّ سَاعَةٍ وَّغَایَةً كُلِّ سَاعَةٍ أَمْتَوْتُ «هر وندہ ای مقصدی دارد و مقصد نهایی همه مرگ است» (بخار الانوار، ج ۷۹، ص ۷۲۲)
		برای همه؛ حتی برترین بندگان خدا	۲. إِنَّكَ مَيْتُ وَإِنَّهُمْ مَيْتُونَ «ای رسول عزیز ما) شخص تو و همه خلق البته به مرگ از دار دنیا خواهید رفت» (زمیر، ۳۰)
		فنای هر چیزی جز خدا	۳. كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانِ وَيَقِيَ وَجْهُ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ «تمام کسانی که بر روی زمین هستند فانی می شوند و فقط ذات پاک خداوند در این جهان باقی می ماند» (الرحمن، ۲۶ و ۲۷)
	پسند	قابل انکار نبودن، مشخصه و همراه همیشگی انسان	۱. وَأَعْبُدُ رَبِّكَ حَتَّى يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ «و دایم به پرسش خدای خود مشغول باش تا یقین (ساعت مرگ و هنگام لفای ما) بر تو فرا رسد» (حجر، ۹۹)
		وعده‌ای قطعی	۲. مَنْ زَارَى الْمَوْتَ بِعْنَىٰ يَقِينِهِ زَاهٰ فَرِبِّاً «هر که مرگ را با دیده یقین بنگرد آن را نزدیک خواهد دید (غیرالحکم، ج ۱، ص ۶۴)
		پایان بذیر بودن دنیا	۳. وَبِالْمَوْتِ تُخْتَمُ الدُّثْيَا «مرگ پایان زندگی دنیوی است» (الكافی، ج ۲، ص ۴۹).
	نیزه	نامعلوم بودن مکان	۱. وَرَأَى الْتَّبْدُ الأَجَلَ وَمَصِيرَةً، لَبَعْضَ الْأَمْلَ وَغُرُورَهُ «اگر بندگان خداوند مسیر آمدن مرگ و زمان آن را می دانستند، امید و آرزوهایشان از این دنیا قطع می شد (وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۴۳۹)
		علم زمان و مکان مرگ مختصی خدا	۲. وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ مَاذَا تَكْسِبُ غَدًا وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ بِأَيِّ أَرْضٍ تَمُوتُ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ حَبِيرٌ «هیچ کس نمی داند فردا چه خواهد کرد و هیچ کس نمی داند به کدام سرزمین، مرگش فرامی رسد؟ پس تنها خداوند به همه چیز خلائق دانا و بر تمام اسرار و دقایق عالم آگاه است» (لهمان، ۳۴)
		مخفي بودن زمان	۳. فَبَادِرُوا الْعَمَلَ وَخَافُوا بَعْثَةَ لَأَجَلٍ «به عمل بستایید و از رسیدن ناگهانی مرگ بترسید» (نهج البلاغه، خطبه ۱۱۴)

سازه	مؤلفه‌ها	مفاهیم استنباط شده	مستندات	
آزمون‌بازی‌نامه	عامل طمأنینه و هوشیاری	عامل طمأنینه و هوشیاری	المُؤْتُ رَاحَةُ الْمُؤْمِنِ «مرگ مایه آرامش مؤمن است» (وسائل الشيعه، ج ۲ ص ۴۲۹)	۱
		جهت‌دهی ترس از مرگ	لا مُرِيحَ كالمَوْتِ «هیچ آرام بخشی چون مرگ نیست». (میزان الحكم، ج ۱۱، ص ۱۰۱)	۲
	عامل کسب پیروزی و آرامش	فِ الْمَوْتِ رَاحَةُ السُّعَدَاءِ «مرگ، مایه آسودگی نیک‌بختان است»(میزان الحكم، ج ۱۱، ص ۱۰۱) المُؤْتُ رَحْيَاتُهُ الْمُؤْمِنِ «مرگ برای مؤمن، همانند یک دسته گل خوش‌بوی است» (کنز العمال، ح ۴۲۱۳۶)	۳	
نمایشگاه اسلام	معرفت‌بخشی عبرت‌گیری	معرفت‌بخشی عبرت‌گیری	الْمَذَدُ وَ إِنْ طَالَتْ قَصِيرَةً وَ الْمَاخِي لِلْمُقْتَمِ عَيْنَهُ وَ الْمَبِيتُ لِلْحَاجِ عِظَلَةً «مدت عمر هرچند دراز باشد، کوتاه است و آن که رفته برای آن که هنوز هست مایه عبرت است و مرده برای زنده وسیله پند» (بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۳۸۰) أَنَّهُ رَجَّصَ فِي زِيَارَةِ الْقُبُورِ وَ قَالَ ثَنَّا جَرِيمُ الْأَخْرَةَ «زیارت گذشتگان شما را به یاد آخرت می‌اندازد (بحار الأنوار ج ۷۹، ص ۱۶۹)	۱
		زنده‌دلی/درک واقعیات معنوی	أَكْثُرُوا ذِكْرَ الْمَوْتِ، فَمَا مِنْ عَبْدٍ أَكْثَرَ ذِكْرَهُ إِلَّا أَحْيَا اللَّهُ قَلْبَهُ وَهَوَنَ عَلَيْهِ الْمَوْتُ «مرگ را فراوان یاد نکنید؛ زیرا هیچ بنده‌ای آن را بسیار یاد نکرد، مگر این که خداوند دلش را زنده گردانید و مردن را براو آسان ساخت» (بحار الأنوار، ج ۸۲، ص ۱۶۸) اَنَّ هَذِهِ الْقُلُوبُ تَصْدُءُ كَمَا يَصْدُءُ الْحَدِيدُ، قَبَلَ كَمَا جَلَّاهُ؟ قَالَ ذِكْرُ الْمَوْتِ وَ تَلَوَّهُ الْقُرْآنُ «این دلها گاهی زنگ می‌زنند همچنان که آهن زنگ می‌زند. عرض شد: صیقل دادن دل به چیست؟ فرمود بسیار یاد مرگ بودن و تلاوت قران (مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۱۰۴)	۲
	عامل آگاهی و بصیرت	عامل آگاهی و بصیرت	الْئَنَاسُ نِيَامٌ فَإِذَا مَاتُوا اِنْتَهُوا «انسان‌ها در خوابند آن‌گاه که بمیرند از خواب بیدار می‌شوند» (بحار الأنوار، ج ۴، ص ۴۳) الْدُّنْيَا نَوْمَةٌ وَ الْآخِرَةُ يَقْظَةٌ «زندگی دنیا خوابی بیش نیست و آخرت بیداری» (مجموعه وزام ج ۲، ص ۲۴) مَنْ رَاقَبَ أَجْلَهُ إِلْتَهَمَ مَهَلَهُ «کسی که مرگ خود را در نظر دارد از مهلت‌هایی که در اختیار دارد بهره می‌برد» (عيون الحكم، ج ۱، ص ۴۴۹)	۳

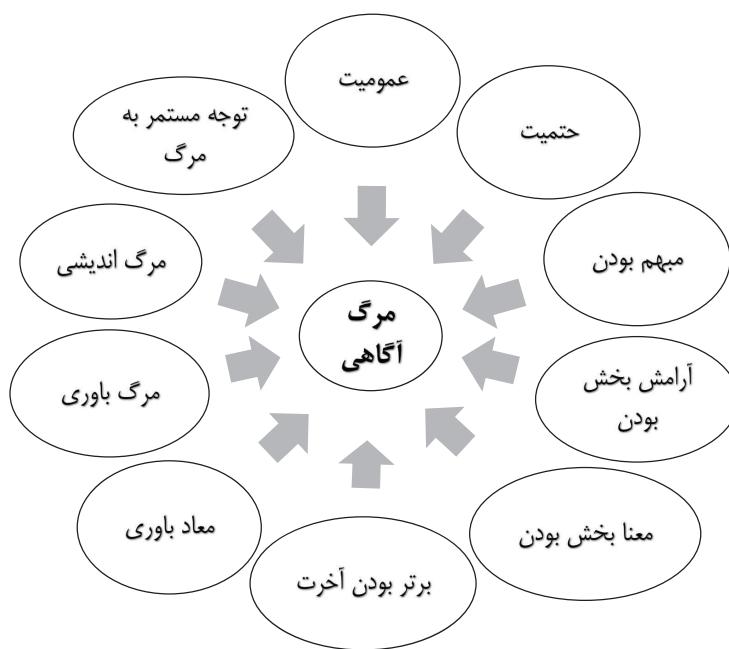
سازه	مؤلفه‌ها	مفاهیم استنباط شده	مستندات	
ذلیک آئُتُوْثُ هُوَ ذلِكَ الْحُمَّامُ هُوَ آخرُ مَا يَقِنُ عَلَيْكَ مِنْ تَحْيِصٍ ذُنُوبِكَ وَتَشْتَيْتِكَ مِنْ سَيِّئَاتِكَ فَإِذَا أَتَتْ وَرَدْتَ عَلَيْهِ وَجَاؤَرَتْهُ فَقَدْ جَبَوْتَ مِنْ كُلِّ غَمٍّ وَهَمٍّ وَأَذَى وَوَصَّلْتَ إِلَى كُلِّ شُرُورٍ وَفَحَرَ «مرگ به منزله گرمابه است و آن آخرین چیزی است که تو را زگناهات پاک واز زشتی‌ها پاکیزه می‌کند. هرگاه به آن وارد شوی و از آن بکذری از همه غم‌ها و اندوه‌ها و آزارها رهابی می‌یابی و به همه خوشحالی‌ها و شادی‌ها خواهی رسید» (بحارالانوار، ج ۶، ص ۱۵۶)	دنیا گذرگاه نه قرارگاه/ وسیله زندگی جاودانه	ما هنره حیاه الدُّنْيَا إِلَّا هُوَ وَلَعْبٌ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهُ الْحَيَاةُ لَوْكَافُوا يَعْلَمُونَ «وَإِنْ زَنْدَكِي دُنْيَايِي چیزی جز بازی و سرگرمی نیست. زندگی واقعی سرای آخرت است اگر می‌دانستید» (عنکبوت، ۶۴).	۱	
	پذیرش برتری نظام آخرت	ذلِكَ آئُتُوْثُ هُوَ ذلِكَ الْحُمَّامُ هُوَ آخرُ مَا يَقِنُ عَلَيْكَ مِنْ تَحْيِصٍ ذُنُوبِكَ وَتَشْتَيْتِكَ مِنْ سَيِّئَاتِكَ فَإِذَا أَتَتْ وَرَدْتَ عَلَيْهِ وَجَاؤَرَتْهُ فَقَدْ جَبَوْتَ مِنْ كُلِّ غَمٍّ وَهَمٍّ وَأَذَى وَوَصَّلْتَ إِلَى كُلِّ شُرُورٍ وَفَحَرَ «مرگ به منزله گرمابه است و آن آخرین چیزی است که تو را زگناهات پاک واز زشتی‌ها پاکیزه می‌کند. هرگاه به آن وارد شوی و از آن بکذری از همه غم‌ها و اندوه‌ها و آزارها رهابی می‌یابی و به همه خوشحالی‌ها و شادی‌ها خواهی رسید» (بحارالانوار، ج ۶، ص ۱۵۶)	۲	
	نفي اشتياق بيش از حد به دنيا و متعلقات آن	اللَّهُمَّ أُرْزُقِي الْتَّبَاجِفَ عَنْ دَارِ الْغَرْوَرِ وَالْإِنْتَابَةَ إِلَى دَارِ الْحُلُودِ وَ الْإِشْعَدَادَ لِلْمَوْتِ قَبْلَ حُلُولِ الْفُؤُوتِ زِيَادَةً «خداوندا توفيق کناره گرفتن از دار غرور (دنیا) و روی آوردن به سرای خلوت و آمادگی برای مرگ قبل از مردن به من عطا فرما (بحارالانوار، ج ۹۵، ص ۶۳؛ إقبال الأعمال، ج ۱، ص ۲۲۸، البلاالأمین، ج ۱، ص ۲۰۲؛ زادالمعاد، ج ۱، ص ۱۲۹). من اکثر ذکر الموت قلت في الدُّنْيَا رَغْبَتِهِ «کسی که زیاد به یاد مرگ باشد رغبت او به دنیا کم می‌شود» (غررالحكم، ج ۲، ص ۶۰).	۳	
إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَيِّعاً فَيَسْكُنُمْ إِنَّا كُنُّمْ تَعْمَلُونَ «بازگشت همه شما به سوی خداست و همه شما را به آنچه کردید آگاه می‌سازد» (مائده، ۱۰۵). إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ (بقره، ۱۵۶ و ۱۵۷).	بازگشت همه چیز به سوی او	إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَيِّعاً فَيَسْكُنُمْ إِنَّا كُنُّمْ تَعْمَلُونَ «بازگشت همه شما به سوی خداست و همه شما را به آنچه کردید آگاه می‌سازد» (مائده، ۱۰۵). إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ (بقره، ۱۵۶ و ۱۵۷).	۱	
	راهی برای بازگشت انسان به خدا/ از افعال خدا/ امری وجودی	اللَّهُ يَعْلَمُ الْحَلْقَ ثُمَّ يُبَيِّنُهُمُ اللَّهُمَّ تُرْجِعُونَ «خداست که خلق را نخست پدید آرد و باز (پس از مرگ و فنا) باز گرداند و همه به حضرت او بازگردانیده می‌شوید» (روم، ۱۱).	۲	
	مُنتهای امر آفریدگان، بازگشت به خداست	وَلَا تَنْجُ مَعَ اللَّهِ إِلَّا أَخْرَ لَإِلَّا هُوَ كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهُهُ لَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَحُونَ «و هرگز با خدای یکتا دیگری را به خدایی مخوان، که جزو هیچ خدایی نیست، هر چیزی جز ذات پاک الهی هالک الذات و نابود است، فرمان با او و رجوع شما به سوی اوست» (قصص، ۸۸).	۳	

سازه	مؤلفه‌ها	مفاهیم استنباط شده	مستندات		
﴿وَإِنَّمَا يُحِبُّ الظُّفَرَ﴾	عامل شناخت مرگ و ایمان به خدا و تسلیم بودن	عامل شناخت مرگ و ایمان به خدا و تسلیم بودن	وَأَنْبَيْنَا إِلَى رَبِّكُمْ وَأَسْلَمُوا لَهُ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ الْعَذَابُ تُمُّمُ لَا تُنَصَّرُونَ «به سوی پروردگاران باز گردید و تسلیم او شوید، پیش از آن که عذاب (ناگهانی دنیا و یا عذاب آخرت) به شما برسد و دیگر باری نداشته باشید (زمیر، ۵۴).	۱	
			إِنَّ الَّذِينَ قَاتَلُوا رَبِّنَا اللَّهَ تُمُّمُ أَسْتَغْنَمُوا قَالَ حَقُّهُ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزُنُونَ «آنان که گفتند: آفریننده ما خداست و بر این سخن پایدار و ثابت ماندند بر آنها هیچ ترس و بیمی و حزن و اندوهی (در دنیا و عقبی) نخواهد بود» (احقاف، ۱۳).		
	تسلیم محض خدا نبودن علت ترس مرگ		أَمَّا قَوْلُكُمْ أَكَّلَ ذَلِكَ كَرَاهِيَةَ الْمُؤْتَ، فَوَاللَّهِ مَا أَبَالِي دَخْلُتُ إِلَى الْمُؤْتِ أَوْ خَرَجَ الْمُؤْتُ إِلَيْ «اما سخن شما که آیا این همه تأمل و درنگ من برای ترس از مرگ و کشته شدن است؛ پس سوگند به خدا هیچ باکی ندارم از داخل شدن در مرگ (کشته شدن در میدان کارزار) یا این که ناگاه مرگ مرا دریابد» (نهج البلاغه، صبحی صالح، خطبه ۵۵)	۲	
			قَالَ الَّذِينَ يَظْلَمُونَ أَهْمَمُ مُلَاقَوَا اللَّهِ كُمْ مِنْ فِتْنَةٍ قَلِيلَةٌ غَلَبَتْ فِتْنَةً كَثِيرَةً يَأْذِنِ اللَّهُ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ «آنها که می دانستند خدا را ملاقات خواهند کرد، گفتند: چه بسیار گروه‌هایی کوچک که به فرمان خداوند بر گروه‌های عظیمی پیروز شدند و خداوند با صابران است» (بقره، ۲۴۹)	۳	
	تعقل کلید درک ماهیت مرگ		كَذَلِكَ يُحِبُّ اللَّهُ الْمُؤْتَ وَيُرِيْكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ «این گونه خداوند مردگان را زنده خواهد فرمود و قدرت کامله خویش را به شما آشکار می نماید، باشد که عقل خود را به کار ببرید» (بقره، ۷۳)	۱	
			كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ «خدا آیات خود را برای شما این گونه روش بیان می کند، شاید خردمندی کنید» (بقره، ۲۴۲) أَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْهِبَةِ قَدْ يَبَيِّنَ لَكُمُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ «بدانید که خداست که زمین را پس از مرگ (خزان) زنده می گرداند. ما آیات و ادله (قدرت خود) را برای شما بیان کردیم تا مگر فکر و عقل به کار بندید» (حدید، ۱۷)	۲	
	تفکر در آیات الهی سبب آگاهی بر حقیقت مرگ		وَهُوَ الَّذِي يُحِبُّ وَيُغْيِّبُ وَلَهُ الْخِتَالَفُ الْلَّائِلُ وَالْتَّهَارُ أَفَلَا تَعْقِلُونَ «و اوست خدایی که زنده گرداند و بمیراند و اختلاف و حرکت شب و روز به امر اوست، آیا شما عقل خود را کار نمی بندید» (مؤمنون، ۸۰)	۳	

ردیف	سازه	مؤلفه‌ها	مفاهیم استنباط شده	مستندات
۱	مرگ‌آگاهی	نگاه دائم داشتن	و انصِبَ المُوتَ بَيْنَ أَيْدِينَا نَصْبًا وَ لَا تَجْعَلْ ذِكْرَنَا لَهُ غَيْرًا «وَ حالت مَرْگ را دائم نصب العین ما قرار ده و نه آن که یک روز به یاد مرگ باشیم» (صحیفه سجادیه، دعای ۴۰).	۱
		توجه مستمر داشتن	النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: حِينَما سُئِلَ : هَلْ يُحْسِرُ مَعَ الشُّهَدَاءِ أَحَدٌ ؟ قَالَ: نَعَمْ، مَنْ يَذْكُرُ الْمَوْتَ فِي الْيَوْمِ وَاللَّيْلَةِ عِشْرِينَ مَرَّةً؟ «پیامبر خدا ﷺ: وقتی از ایشان سوال شد: آیا کسی با شهداد محشور می شود؟ فرمود: آری، کسی که شبانه روز بیست مرتبه مرگ را یاد کند» (مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۲، ص ۱۴۳).	۲
		هر لحظه به یاد بودن	إِيمَانُهُ حَتَّىٰ يَاتِيَكَ وَ قَدْ أَخْذَتِ مِنْهُ جَذْرَكَ وَ شَدَدَتِ لَهُ أَرْزَكَ وَ لَا يَأْتِيَكَ بَعْثَةً فَيَبْهَرُكَ «ای پسرم، بسیار یاد مرگ بکن و نیز یاد آن احوال و اوضاعی که ناگهان با آنها مواجه می شوی و آنچه را که بعد از مرگ به آن می‌رسی، تا چون مرگ فرا رسید خود را آماده کرده و برای آن، نیروی خود را محکم نموده باشی نه این که ناگهان مرگ تو فرابرسد و تو را درمانده ساخته و به تعجب بیندازد» (بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۱۹۶)	۳

براساس قانون محاسبه CVI، در روایی محتوایی به روش کمی حداقل میزان قابل قبول برای شاخص CVI، CVI_{۰/۰} است که براساس نتایج به دست آمده از CVR این ارزیابی، تمامی مؤلفه‌ها از نظر کارشناسان خبره دین و روان‌شناسی، (زیاد) و (خیلی زیاد) با مرگ‌آگاهی ارتباط داشته و هیچ مؤلفه‌ای کنار گذاشته نشد. بنابراین با توجه به قانون محاسبه CVI و CVR در روایی محتوایی، CVI مؤلفه‌های مرگ‌آگاهی براساس منابع اسلامی در مجموع عدد ۱ و CVR مؤلفه‌های مرگ‌آگاهی براساس منابع اسلامی در مجموع ۰/۹۵۶ بود که در تحلیل نهایی نتایج، هر ۱۰ مؤلفه از روایی محتوایی بالایی برخوردار بوده و در این پژوهش باقی ماندند. درواقع، تمامی کارشناسان، کفایت هر ده مؤلفه را تأیید نمودند. در مجموع و

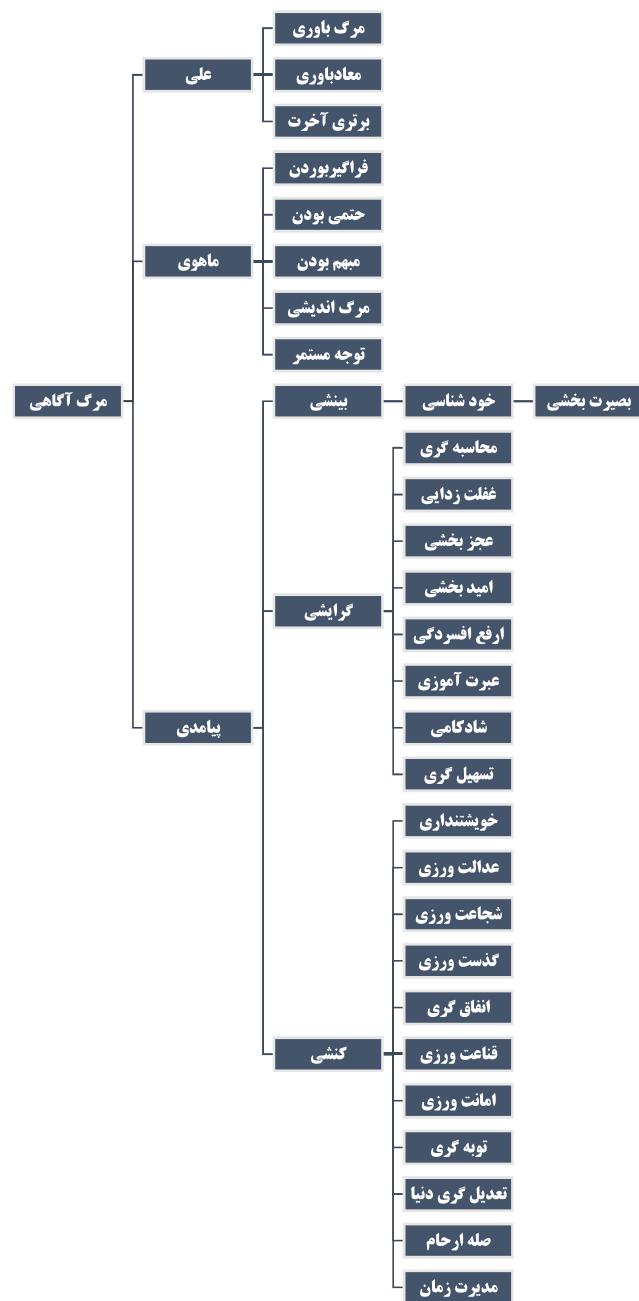
براساس آنچه از بررسی مؤلفه‌ها و واژگان مرتبط با مرگ‌آگاهی بیان شد، جمع‌بندی نهایی مؤلفه‌های مرگ‌آگاهی با کنارهم قراردادن موارد مشترک، تحت مؤلفه واحد و هم‌چنین تجزیه و تحلیل محتوایی هر مؤلفه به شرح ذیل می‌باشد:



شكل ۱: مؤلفه‌های مرگ‌آگاهی

همچنین، با بررسی واژه‌های دهگانه، در مفهوم‌شناسی مرگ‌آگاهی در لغت و متون دینی و نیز با توجه به آثار و پیامدهای مرگ‌آگاهی در منابع اسلامی می‌توان به تعریف جامعی از مرگ‌آگاهی دست یافت.

شکل ۲: الگوی مفهومی مرگ‌آگاهی در منابع اسلامی



بحث و نتیجه‌گیری

طبق تحقیقات و نظرات ارائه شده در حوزه مرگ و مرگ‌آگاهی از سوی محققین و دانشمندان، و نیز از آنجاکه قبل از بیان مؤلفه‌های مفهوم مرگ‌آگاهی، باید به بررسی ماهیت مرگ‌آگاهی در منابع اصیل اسلامی (آیات و روایات در کتب معتبره) پرداخت و از سوی دیگر، چون مرگ‌آگاهی، سازه‌ای بسیط نیست، بلکه از کنار هم قرار گرفتن مرگ و آگاهی شکل می‌گیرد؛ بنابراین برای شناخت این مفهوم، استفاده از کلیدواژه‌های مشخص و محدود برای جستجو در منابع اسلامی کاربرد نداشت. از این‌رو پس از مشخص شدن تعریف و ابعاد مرگ و مرگ‌آگاهی در تحقیقات روان‌شناسی موجود، به متون دینی مراجعه و بر آیات و روایات ائمه معصومین عليهم السلام مرکز شد. بعد از شناسایی واژگان و تبیین معانی لغوی و اصطلاحی، جهت بررسی مؤلفه‌های مفهوم مورد نظر، اهمیت، واژه‌شناسی، مؤلفه‌شناسی، کارکردها، مراتب و پیامدهای مرگ‌آگاهی مورد بررسی قرار گرفت. در ادامه با بررسی مفاهیم، برای مفهوم‌شناسی مرگ‌آگاهی در لغت و متون دینی، نکات ذیل به دست آمد که با تحلیل همراه با دقیق نظر، تعریف جامعی از مرگ‌آگاهی به دست آمد:

۱. در لغت و روایات دینی و براساس تبیین کلید واژه‌های انتخاب شده، در مجموع این ده مؤلفه جزء مؤلفه‌های مرگ‌آگاهی به حساب آمدند: فراگیر بودن، حتمی بودن، مبهم بودن، آرامبخش بودن، معنابخش بودن، برتر بودن آخرت، معادباوری، مرگ‌باوری، مرگ‌اندیشی و توجه مستمر.
۲. در یک بررسی دقیق‌تر، مشخص شد که سه مؤلفه: مرگ‌باوری، معادباوری و برتر بودن آخرت، جزء مؤلفه‌های دسته علی (زمینه‌ای)؛ مؤلفه‌های: فراگیر بودن، حتمی بودن، مبهم بودن، مرگ‌اندیشی و توجه مستمر، جزء مؤلفه‌های ماهوی و سرانجام، دو مؤلفه: معنابخش بودن و آرامبخش بودن نیز جزء مؤلفه‌های پیامدی به شمار می‌آیند و در این راستا، می‌توان مدعی شد که مرگ‌آگاهی قادر است که یک سازه مرکب از مؤلفه‌های زمینه‌ای، ماهوی و پیامدی باشد.
۳. همچنین، در یک تحلیل عمیق‌تر، مؤلفه‌های پیامدی، به نوبه خود، به سه دسته: بینشی، گرایشی (عاطفی هیجانی) و کنشی (رفتاری) تقسیم شوند که دو مؤلفه: خودشناسی و بصیرت‌بخشی در قلمرو پیامدهای بینشی مرگ‌آگاهی؛ مؤلفه‌های: محاسبه‌گری، غفلت‌زادایی، عجزبخشی، امیدبخشی، عبرت‌آموزی، شادکامی و رفع افسردگی و تسهیل‌گری، مصائب جزء حوزه گرایش به حساب آیند و سرانجام مؤلفه‌های: خویشتن‌داری، عدالت‌ورزی،

شجاعت‌ورزی، گذشت‌ورزی، انفاق‌گری، قناعت‌ورزی، امانت‌ورزی، توبه‌گری، تعدیل‌گری دنیا، صله ارحام و مدیریت زمان هم در حیطه حوزه کنشی و رفتاری برخواسته از مرگ‌آگاهی قرار بگیرند که این نکات و جمع‌بندی‌ها در قالب شکل (شکل ۲) نشان داده شد.

بر این اساس، و با توجه به تعریف و نظرات ارائه شده در خصوص مرگ و مرگ‌آگاهی و نیز با توجه به وجود مبانی نظری کامل و جامع در حوزه حقیقت مرگ و هوشیاری نسبت به آن و نیز تأکید فراوان اسلام به آن، در این پژوهش، برای مرگ‌آگاهی تا پیدا شدن تعریفی بهتر، تعریف زیر پیشنهاد می‌گردد:

مرگ‌آگاهی، سازه‌ای است روان‌شناختی، مبتنی بر توجه پیوسته به حقیقت مرگ در چارچوب اندیشه اسلامی به عنوان یک پدیده فraigیر، قطعی، پر رمز و راز که به زندگی انسان معنای الهی داده و موجبات آرامش و تلاش مؤثر را برای تأمین سعادت غایی فراهم می‌آورد.

در این تعریف کوشیده شده است تا هم معیارهای مورد وفاق بیشتر صاحب‌نظران در زمینه مرگ و مرگ‌آگاهی لحاظ شود و هم به جهت مفهومی، شروط جامعیت، مانعیت و صرفه‌جویی را تا حدامکان احراز کند. بر این اساس، می‌توان به مرگ‌آگاهی، چهار نکته را نسبت داد: نخست این‌که این سازه، نوعی توانایی شناختی است نه گونه‌ای از رفتاریا ویژگی اخلاقی، سپس، درونی (تاریخچه‌ای) است یعنی فطری و جهان‌شمول است، هم‌چنین، رشدیابنده است یعنی از آموزش، فرهنگ و جهان‌بینی و ... اثر می‌پذیرد، و سرانجام این‌که، سازگاری- محور است یعنی سازگاری مؤثری با خود، دیگران و خدا دارد.

به طورکلی، در دیدگاه‌های روان‌شناختی و فلسفی، مرگ و توجه مستمر به آن به عنوان یک واقعیت اجتناب‌ناپذیر زندگی به دور از معنا و استفاده‌های دینی آن مورد بررسی قرار گرفته است. از دیدگاه مادیون، مرگ یک مفهوم به‌طورکامل، فیزیولوژیکی دارد و مردن از لحاظ فیزیولوژیکی به منزله توقف کارکردهای کامل حیاتی است و از دیدگاه روان‌شناختی، ممکن است برای افراد مختلف، معناهای متفاوتی داشته باشد. مردن به معنای از دست دادن عزیزان، توقف فعالیت‌های زندگی، رها کردن تجربه‌ها و ورود به دنیایی ناشناخته است و آگاهی^۱ توانایی دانا شدن و درک کردن (برای احساس کردن) یا کسب معرفت از رویدادها است. آگاهی به‌طور گسترده‌تر، حالت هشیار بودن کسی یا چیزی است (گروه

1. Awareness.

واژه‌گزینی، فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان، ذیل سروواژه آگاهی). اما از دیدگاه اسلام و متون اسلامی، مرگ، آخر زندگی انسان نیست، بلکه آخر انتخاب‌های زندگی این جهانی است. اما خداوند قادر است که انسان را در آخرت به زندگی بازگرداند. در این دیدگاه، به مرگ بیشتر به عنوان انتقال از یک عامل به عامل دیگر نگریسته می‌شود که ادامه حرکت تکاملی را ممکن می‌سازد و کمتر به جنبه‌های دیگر مرگ تأکید شده است. بنابراین دانش فعلی پیرامون مرگ، را پیوستاری در نظر گرفت که در یک طرف آن دانش روان‌شناسی است که در پاسخ به سؤالاتی که در رابطه با ابعاد علمی آن مطرح است و مطالعات ارزشمندی فراهم آورده است. در طرف دیگر پیوستار، قرآن و روایات گنجینه ارزشمندی را فراهم آورده است که به زندگی انسان معنا داده و به نیازهای ریشه‌دار انسان مانند جاودانگی پاسخ می‌دهد. ضمن آن‌که، مرگ آگاهی را دارای اثرات سازنده فردی و اجتماعی می‌داند.

با این تقریر، آشکار می‌شود که مرگ آگاهی با اینکه یک سازه جدید در روان‌شناسی تجربی است و هنوز راه تثبیت‌شده‌ای برای عملیاتی کردن آن وجود ندارد اما می‌توان تغییراتی را که مرگ آگاهی در زندگی افراد به بار می‌آورد را فقط دفاعی ندانست بلکه آن را در کانون روان‌شناسی مثبت‌نگر قرار داد (لی^۱، ۲۰۰۸؛ فری اس، واتکینز، وبر و فرا^۲، ۲۰۱۱؛ ویل، یول، آرنت، وس، راتلچ و روتینز^۳، ۲۰۱۲). درواقع، از این رهگذر، مرگ آگاهی، مفهومی است که درون آن انهدام و نابودی شخص نیست، بلکه توجه مستمر به انتقال انسان از یک مرحله به مرحله دیگر یا تحول انسان از نقصان به درجه‌ای از کمال است. با این نگاه و بینش، سلسه ارزش‌ها در زندگی، تغییر معناداری پیدا نموده و ارزش‌های مجازی و ناپایدار جای خود را به ارزش‌های اصیل و جاودانه می‌دهند. منافع و لذت‌ها و حتی سلایق و تمایلات دنیاگی نیز، تعریفی دیگر به خود می‌بینند. تعریفی که در آن رضایت معبود و خشنودی محبوب جای دارد. زندگی، فرصت خدمت به خلق خدا و به قصد قرب الى الله دیده می‌شود و هر لحظه آن، زمان عبادت و تسبیح پروردگار. بنابراین، اگر تمام عواملی که در تربیت و تهذیب انسان‌ها نقش دارند، به دقت مورد بررسی و مذاقه قرار بگیرند، بی‌شک مرگ آگاهی، مؤثرترین و کاراترین عامل خواهد بود که می‌تواند رابطه و تعامل انسان را در عرصه مختلف اصلاح نموده و سامان بخشد. به انسان می‌فهماند که تمام هستی و همت خود را صرف این

1. Lee, V.

2. Frias, A., Watkins, P. C., Webber, A. C., & Froh, J.

3. Vail, K. E., Juhl, J., Arndt, J., Vess, M., Routledge, C., & Rutjens.

چند روز دنیا نکند و در برنامه‌ریزی‌ها و آینده‌نگری‌های خود، آخرت را هم در نظر داشته باشد. چراکه حتی علم هم ثابت نموده است که مرگ‌آگاهی اگرچه دردنگ است، باعث استدزار به سلسله‌ای از بینش‌های فطری می‌شود که برای فرد سلامت آفرین است. آگاهی از مرگ، افراد را تحریک می‌کند تا به این تصور برسند که فعالیت آنها به میراث پایدار در میان نسل‌های فعلی و آینده در حوزه‌هایی از قبیل آینده خانواده، کسب‌وکار، خدمات خیریه، علم، آموزش، سلامت و مراقبت، دولت، هنر، ورزش و یا هر تعداد دیگر از حوزه‌های موجود تبدیل خواهد شد (مک‌کیب، ویل و آرنت^۱).

در پایان پیشنهاد می‌شود پژوهشگران بعدی ساخت پرسشنامه مرگ‌آگاهی را طراحی و تولید نمایند. همچنین، از دیگر فعالیت‌هایی که شایسته است در این حوزه صورت پذیرد، بررسی جدایگانه رابطه مفهوم مرگ‌آگاهی با مفاهیم روان‌شناختی از قبیل افسردگی، سبک زندگی، خودمهارگری و ... است.

منابع

- قرآن کریم.
- شریف‌الرضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴)، *نهج‌البلاغه (صبحی صالح)*، قم: دارالعرفان.
- ادوارد، فرانک و وارد، برایان (۱۳۷۷)، *فراتر از ادراک*، ترجمه حریری، مریم و حجازی، آرش، تهران: انتشارات کاروان.
- محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۷۷)، *میزان‌الحكمه*، قم: انتشارات دارالحدیث.
- ایمانی خوشخو، مریم و اسماعیلی، کبری (۱۳۹۴)، «آثار مرگ‌اندیشی در قرآن و سخن‌نام امام علی علیهم السلام»، دو فصلنامه آموزه‌های تربیتی در قرآن و حدیث، دانشگاه خوارزمی تهران، بهار و تابستان، دوره ۱، شماره ۱، صص ۳۲-۱۵.
- ابن طاووس، علی بن موسی (۱۳۷۶)، *محاسبة النفس*، تهران: مرتضوی.
- تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد (۱۴۱۰)، *غیرالحکم و دررالكلم*، مصحح: سیدمهدی رجائی، قم: دارالكتاب الإسلامي.
- بلاکهام، هرولد جان (۱۳۶۸)، *تشریح متفکر اگزیستانسیالیست*، ترجمه حکیمی، محسن، تهران: سعدی.
- تمیمی آمدی، عبد الواحد ابن محمد (۱۴۱۰ق)، *غیرالحکم و دررالكلم*، قم: دارالكتاب الإسلامي.

1. McCabe, S., Vail, K. E., & Arndt, J.

- توان، بهمن؛ جهانی، فرزانه و حکمت‌پور، داوود (۱۳۹۲)، «مفهوم مرگ از دیدگاه دانشگاهیان؛ یک مطالعه کیفی»، *مجله تحقیقات کیفی در علوم سلامت*، سال ۲، شماره ۴، صص ۳۶۵ - ۳۵۸.
- احمدی فارستاني، مجتبی؛ حشمتی، رسول و هاشمی نصرت آباد، تورج (۱۳۹۸)، «الگوی ساختار نگرش به مرگ بر اساس سبک‌های دلبستگی در نوجوانان مبتلا به سرطان: نقش میانجی سرکوبگری و حساسیت اضطرابی»، *مجله روان‌پژوهشی و روان‌شناسی بالینی ایران*، دوره ۲۵، شماره ۳، ص ۳۰۸ - ۳۲۷.
- شجاعی، محمدصادق (۱۳۹۹)، «روش تحلیل کیفی محتوای متون دینی»، *مجله مطالعات اسلام و روان‌شناسی*، دوره ۱۴، شماره ۲۷، شماره پیاپی ۲۷، پاییز و زمستان، ص ۴۱ - ۷۳.
- شجاعی، محمدصادق؛ جانبازگی، مسعود؛ عسگری، علی؛ غروی راد، سیدمحمد و پسندیده، عباس (۱۳۹۳)، «کاربرد نظریه حوزه‌های معنایی در مطالعات واژگانی ساختار شخصیت بر پایه منابع اسلامی»، *مطالعات اسلام و روان‌شناسی*، ۸ (۱۵) - ۳۸ - ۷.
- حقایق، سیدعباس و کجبا، محمدباقر (۱۳۹۵)، «مرگ از دیدگاه روان‌شناسی و اسلام»، اصفهان.
- زندی، محسن و موسوی، سید محمود (۱۳۹۶)، «رویکرد وجودی نگرآیات و روایات در رابطه مرگ‌اندیشه و سلامت روان»، *مجله علوم حدیث*، تابستان، شماره ۸۴، صص ۵۱ - ۷۸.
- صالحی، اکبر، اکبرزاده، فهیمه (۱۳۹۴)، «تحلیل تطبیقی دیدگاه اسلامی و آرای مارتين هایدگر در زمینه مرگ‌آگاهی و پیامدهای آن بر سبک زندگی»، *مجله پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی*، سال ۲۳، دوره جدید، شماره ۲۶، بهار، صص ۸۳ - ۵۹.
- طاهری سرتشنیزی، اسحاق و موسوی، مریم‌السادات (۱۳۹۱)، «مرگ‌آگاهی و معناداری زندگی از منظر نهنج البلاعه»، *مجله انسان پژوهی دینی*، دوره ۹، شماره ۲۷، بهار و تابستان، صص ۱۹۷ - ۱۷۷.
- عسگری یزدی، علی؛ قمی، محسن و رازآبادی، محمد (۱۳۹۷)، «تأملی بر مرگ و معناپخشی آن به زندگی در حکمت صدرایی و اگزیستانسیالیسم الحادی»، *مجله اندیشه نوین دینی*، سال ۱۴، پاییز، شماره ۵۴، صص ۴۵ - ۶۰.
- طباطبایی، محمد حسین (۱۳۷۴)، *تفسیرالمیزان*، محمد باقر همدانی، قم: حوزه علمیه.
- علی اکبری دهکردی، مهناز و دلیر، مجتبی (۱۳۸۸)، «تأثیر مرگ‌آگاهی بر نیرومندی باور، اجتناب و افسردگی مبتلایان به اختلال وسواس - اجبار»، *مجله دست آوردهای روان‌شناسی*، دانشگاه اهواز، بهار و تابستان، دوره ۴، سال ۱۶، شماره ۱، صص ۸۷ - ۱۰۶.
- فرح‌بخش، کیومرث؛ کاظمیان، سمیه و ردایی، حمید (۱۳۹۶)، «بررسی کیفی نقش مؤلفه‌های وجودی مرگ‌آگاهی و مسئولیت در انطباق مؤثر مراقبت‌کنندگان بیماران مبتلا به سرطان»، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته مشاوره گرایش توانبخشی*، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبایی للہ تعالیٰ.

- قنبری، بخششی و مشایخی پور، محمدعلی (۱۳۹۱)، «معنا و مفهوم مرگ‌آگاهی و آثار آن از دیدگاه امام علی علیهم السلام»، *مجله معرفت*، سال ۲۱، شماره ۱۸۳، سال، صص ۲۷-۴۱.
- کوبیر راس، الیزابت (۱۳۸۶)، *پایان راه (پیرامون مرگ و مردن)*، ترجمه بهرامی، علی اصغر، تهران، انتشارات رشد.
- قانعی راد، محمد امین و کریمی، مرتضی (۱۳۸۵)، «نمایشنامه فرهنگی مرگ و مردن (مورد مطالعه: بیماران سلطانی بیمارستان امام خمینی)»، *فصلنامه انجمن مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، شماره ۵، بهار و تابستان، صص ۵۱-۷۴.
- لپ، اینیاس (۱۳۷۱)، *روان‌شناسی مرگ*، ترجمه رفیعی مهرآبادی، محمد، تهران: زحل.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳)، *بحار الانوار*، بیروت: دار احیاء التراث العربي.
- مظفری ورسی، محمد حیدر (۱۳۹۲)، *مرگ‌اندیشی در آموزه‌های اسلامی*، قم: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، *تفسیر نمونه*، چاپ اول، تهران: دارالکتب الإسلامية.
- ملکشاهی بیرانوند، فاطمه؛ خدابخش پیرکلایی، روشنک؛ خسروی، زهره و عامری، فریده (۱۳۹۸)، «مقایسه و اثربخشی مداخله مبتنی بر مرگ‌آگاهی با مداخله شناختی رفتاری بر اختلال وحشت‌زدگی و اضطراب مرگ»، *مجله پژوهش در سلامت روان‌شناسی*، دوره ۱۳، شماره ۴، صص ۴۸ - ۳۹.
- Abdel-Khalek, A. M. (1998), The structure and measurement of death obsession. *Personality and Individual Differences*, 24, 159-165.
- Almanasreh, E. , Moles, R. , & Chen, T. F. (2019), Evaluation of methods used for estimating content validity, *Research in Social and Administrative Pharmacy*, 15(2), 214-221.
- Buckman, R. (1993), *Communication in palliative care: a practical guide*, In *oxford textbook of palliative medicine* (doyle, D. Hanks. G. W. C& Macdonald, N. (eds), Oxford medical publications, Oxford).
- Cooper, M. (2003), *Existential therapies. London: Sage Publications experimental existential psychology*, New York: Guilford Press.
- Firestone, R. & Catlett, J. (2009), *Beyond death anxiety*, New York: Springer.
- Frias, A. , Watkins, P. C. , Webber, A. C. , & Froh, J. J. (2011), Death and gratitude:Death reflection enhances gratitude, *The Journal of Positive Psychology*, 6(2),154-162.

- Ghorbani, N (2013), *Selfnarrated by self*, Tehran: Binesh-e-No Press (in Persian).
- Goranson, A. , Ritter,R. S. Waytz ,A, Norton, M. I , Gray, K. Dying . (2017) Is Unexpectedly Positive, *Psychol. Sci.* 28(7) 988–999.
- Grant, A. M. & Wade-Benzoni, K. A. (2009), The hot and cool of death awareness at work: Mortality cues, aging, and selfprotective and prosocials motivations, *Academy of Management Review*, 34(4), 600–622.
- Greenberg, J. , Koole, S. L. , & Pyszczynski, T. (Eds), (2004), Handbook of Hoelterhoff, M. E. (2010), Resilience against death anxiety in relationship to post traumatic stress disorder and psychiatric co- morbidity, *Thesis of DOCTOR OF PHILOSOPHY*. University of ply mounts, School of psychology.
- Kastenbaum, Robert ,(2003), *Macmillan encyclopedia of death and dying*, Volume 1, New York, The Gale Group, Inc.
- Kenneth, V & Jacob, J(2015), An Appreciative View of the Brighter Side of Terror Management Processes. *J. Soc. Sci.* ; 4 (4): 1020-1045.
- Kenneth, V & Jacob, J. (2015) An Appreciative View of the Brighter Side of Terror Management Processes, *J. Soc. Sci.* ; 4 (4): 1020-1045.
- Kübler-Ross, E. (2009), *On death and dying: What the dying have to teach doctors, nurses, clergy and their own families*, Taylor & Franci.
- Lee, V. (2008), The existential plight of cancer: meaning making as a concrete approach to the intangible search for meaning, *Supportive Care in Cancer*, 16(7), 779-785.
- Maxfield, M. , Solomon, S. , Pyszczynski, T. , and J Greenberg, J(2010), Mortality Salience Effects on the Life Expectancy Estimates of Older Adults as a Function of Neuroticism, *J Aging Res.* 2010; 26.
- May, R. , & Yalom, I. (2000), *Existential psychotherapy*, In: Corsini, R. & Wedding, D. (eds.), current psychotherapies. Itasca Illinois: F. E. Peacock Publishers Inc.

- McCabe, S. Kenneth, E. & Arndt, J. (2018), The impact of death awareness on sizes of self- representational objects, *British Journal of Social Psychology*, 57(1), 174–188.
- McCullough, L. , Kuhn, N. , Andrews, S. , Kaplan, A. , Wolf, J. , & Hurely, C. (2003), *Treating affect phobia: A manual for short-term dynamic psychotherapy*, USA: Guilford Press.
- Mohammadpour, A. (2011), *Victor Frankl: the founder of logotherapy*, Tehran: Danzheh Press (in Persian).
- Polit, D. F. , Beck, C. T. , & Owen, S. V. (2007), Is the CVI an acceptable indicator of content validity? Appraisal and recommendations, *Research in nursing & health*, 10(2), 295-262.
- Rosenblatt, A. , Greenberg, J. , Solomon, S. , Pyszczynski, T. , & Lyon, D. (1989), Evidence for terror management theory: I. The effects of mortality salience on reactions to those who violate or uphold cultural values, *Journal of Personality and Social Psychology*, 57, 681–690.
- Stein, J. H. , & Cropanzano, R. (2011), Death awareness and organizational behavior, *Journal of Organizational Behavior*, 32(8), 1189-1193.
- Vail, K. E. , Juhl, J. , Arndt, J. , Vess, M. , Routledge, C. , & Rutjens, B. T. (2012), When Death is Good for Life Considering the Positive rajectories of Terror Management, *Personality and Social Psychology Review*, 6(4), 303-329.
- Wong, Waiying (2015), The Concept of Death and the Growth of Death Awareness Among University Students in Hong Kong: A Study of the Efficacy of Death Education Programmes in Hong Kong Universities, *OMEGA:Journal of Death and Dying*, v74, 3. 304-328.
- Wysoczańska, A. W. (1999) Everyday Awareness of Death: A Qualitative Investigation, *J. Humanist. Psychol.*, 30 (3): 73-95.
- Yalom, I. (1980), *Existential psychotherapy*, USA: Yalom Family Trust

- Zhang, H. Hu, M. Zeng, L. Ma, M & Li, L. (2020), Impact of death ducation courses on emergency nurses' perception of effective behavioral responses in dealing with sudden death in China: A quasi-experimental study, *Nurse education today*, 85(2).